

بررسی فقهی مهریه زن و فلسفه آن در نظام حقوقی اسلام

فاطمه آناهد: عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل و نماینده شورای پژوهشی زنان

چکیده :

با مطالعه گسترده در فرهنگ اسلام این حقیقت روشن می گردد که شریعت اسلام حقوق زنان را در عرصه خانواده و اجتماع ارتقاء داد و آن را سامان بخشید از جمله این حقوق زنان ، حقوق مالی آنان در امر ازدواج است خداوند در آیات شریفه به حقوق مالی زن اشاره کرده و از همسران خواستار پرداخت مهریه زنان می باشد . تعبیری که قرآن از مهریه نموده صدق است ، صدق بی شک ضمن آن که متضمن بار حقوقی است پایه ای کاملاً اخلاقی دارد زیرا موید صداقت و ابراز وفاداری زوج در برابر زوجه است ، که آن را به عنوان هدیه و پیشکش به زن تقدیم می کند . و این عطیه و پیشکش در واقع نشانه ای از صداقت مرد نسبت به زن است .

اسلام مهریه را به عنوان پشتوانه محکم حقوق اجتماعی زن که حق مسلم او بوده ، تبیین کرده است در حالی که در عصر جاهلیت هیچگونه حقوق مالی و ارزش معنوی برای زنان قائل نبودند . لذا قرآن کریم رسوم جاهلیت را در باره مهر منسوخ کرد و آن را به حالت اولی و طبیعی برگردانید . در کل می توان گفت که فلسفه مهریه از دیدگاه اسلام اینست که مهریه وسیله ای برای لذت بخش نمودن زندگی و عامل قوی برای الفت بین زن و شوهر است؛ از سوی دیگر ، مهریه برای جبران نقص ارث زن و وسیله ای برای تamen زندگی آینده او و جلوگیری از طلاق های بی مورد و اهرمی برای سرکوبی تمایلات نفسانی مرد و اثبات پایمردی و علاقه مرد به اتحاد با زن مقرر گردیده است کلید واژه ها : مهریه ، فقه ، فلسفه

مقدمه :

بدون اغراق ، اسلام در عرصه های سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی ، حقوقی و اخلاقی ، قوانین و دستوراتی را آورده که نه تنها در عصر خود ، که در اعصار بعدی نیز کار آمد بوده است از جمله این امور بحث حقوق زن است که فرامین و دستورات قرآنی موید آن است قرآن بر ای زنان حقوق و اعتباری رقم زد که فراتر از آن متصور نیست .

نگاهی به تاریخ ، حکایت بی چون و چرا از ستمهایی دارد که عمدتاً بر زنان تحمیل گشته است . [صرف نظر از آن که جوامع در مقاطعی از تاریخ ، زن سالار بوده اند .] و چه حقوقی که از آنان ضایع نشده است . اسلام بر خلاف بی عدالتی های ملل و اقوام دیگر که نسبت به طایفه زنان روا می داشتند، همه گونه ارزش و شخصیت و آزادی و حقوق انسانی را برای آنها قائل شده به طوری که هیچ آئین و ملتی در هیچ دوره از ادوار زندگی مانند دین مبین اسلام حقوق طبیعی و انسانی زن را مراعات نکرده است . و از آن جا که زنان در خانواده دارای نقش ویژه ای هستند ، در اسلام ، تسهیلات ویژه جهت ایفاء این نقش برای آنان در نظر گرفته شده است . از جمله حقوقی که در اسلام برای زنان مقرر شده مهریه می باشد که در قرآن کریم آیات زیادی هست در باره اینکه مهریه

حق زن می باشد و به خود او تعلق دارد نه به دیگری ، تاریخ نشان می دهد که پیغمبر اکرم (ص) به هیچ وجه حاضر نبود زنی را بدون مهر در اختیار مردی قرار دهد و روایات فراوانی در این زمینه از پیشوایان دینی به ما رسیده که همه اینها موید این مطلب است که اسلام ارزش خاصی برای زن و حقوق او قائل است . در این مقاله سعی بر این شده ضمن بررسی این بحث [مهریه] از منظر فقه (قرآن و روایت) به بیان شبهات و ابهاماتی که در رابطه فلسفه مهریه از سوی برخی از منتقدان صورت گرفته بپردازیم . ضمن آن که دیدگاههای فقهی مسئله را نیز [از جهت انواع ، کمیت و کیفیت] بیان نموده ایم .

معنای لغوی مهر :

مهر کلمه ایست عربی و در فارسی آن را کابین گویند ، و لغات دیگر مترادف آن در عربی صدق ، نحلہ ، فریضه و اجر می باشد
"مهر بر وزن شهر مال معینی است که بر سبیل متعارف زوج بر زوجه در عقد نکاح می دهد و یا به نفع زوجه بر ذمه می گیرد ."^۱

معنای اصطلاحی مهر:

مهر در اصطلاح مالی است که که زوج به مناسبت عقد نکاح ملزم به ایفاء آن به زوجه می گردد.

تاریخچه مهریه :

الف (مهر در ادوار تاریخ

در رابطه با تاریخچه مهر چنین عنوان شده که در ادوار ماقبل تاریخ که بشر به حالت توحش می زیسته و زندگی شکل قبیله ای داشته ، مرد به نقش خویش در تولید فرزند واقف نبوده و فرزند را به عنوان فرزند همسر خود می شناخته ، بنابراین مرد به عنوان طفیلی زن زندگی می کرده و خدمتکار زن بوده است در این دوره زن بر مرد حکومت می کرده است . دیری نپائید که مرد به نقش خویش در تولید فرزند واقف شد و خود را صاحب اصلی فرزند شناخت از این وقت زن را تابع خود ساخت و حکومت به دست مرد افتاد در این مرحله چون همواره حالت جنگ و تصادم میان قبائل حکمفرما بود انتخاب همسر از را ربودن دختر صورت می گرفت و مرد دختر مورد نظر را از قبیله دیگر می ربوده است در مرحله سوم تدریجا صلح جای جنگ را گرفت در این دوره رسم ربودن منسوخ شد و مرد برای اینکه زن را به چنگ آورد به خانه پدر زن می رفته و سالها برای او کار می کرده است در مرحله چهارم ثروت زیاد شد و مرد بجای اینکه سالها برای پدر عروس کار کند مبلغی به عنوان " پیشکش " تقدیم پدر زن می کرده است و رسم مهر از اینجا ناشی شده است .

ب (مهر در اسلام :

برخی از محققان دینی پیدایش مهر را به زمان خلقت آدم و حوا نسبت داده و گفته اند .

اولین کابینی که برای مبدا نسل کنونی بشر یعنی نکاح آدم و حوا معین شد، آموزش احکام و حکم الهی بود^۲ چنانکه طبق حدیث زراره، خداوند به حضرت آدم فرمود: "رضای آن تعلمها معالم دینی، فقال (ع) ذلک لک یا رب"^۳

رضای من آنست که معارف دین مرا به او بیاموزی، آدم گفت قبول کردم.

مهر در زمان جاهلیت و قبل از رسالت نبی اکرم (ص) به شکل‌های گوناگونی رایج بود (که در ادامه مطالب به توضیح آنها خواهیم پرداخت) قرآن در باب مهر، به طور کلی این رسم را منسوخ نکرد بلکه رسوم و قوانین جاهلیت را عوض کرد و مهر را به حالت فطری آن برگرداند.

انواع مهریه:

با تتبع در فقه و قانون مدنی می‌توان مهریه را به مهرالمسمی، مهرالمثل، مهرالمتعہ، مهرالسنة، نکاح مفوضه المهر و نکاح مفوضه البضع تقسیم کرد.

مهرالمسمی:

منظور از مهر المسمی، مهری است که طرفین عقد نکاح یعنی زن و شوهر در مقدار و نوع آن توافق نموده و میزان آن را مشخص کرده اند.

مهری را که ضمن عقد یا پس از آن به تراضی طرفین معین می‌شود در اصطلاح حقوق مهرالمسمی "می‌نامند"

مهرالمثل:

مهرالمثل در زبان حقوقی به مهری گفته می‌شود که مقدار آن با رعایت "حال زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت او نسبت به امثال و اقربان و اقارب و همچنین معمول محل و غیره در نظر گرفته شود"^۴ بنابراین میزان مهرالمثل بر حسب حال زن و داوری عرف معین می‌شود.^۵

مواردی که به موجب قانون زن باید مهرالمثل بگیرد:

۱- در صورتی که ضمن عقد سخنی از مهر گفته نشود یا عدم استحقاق زن در گرفتن مهر شرط شده باشد، پس از وقوع نزدیکی زن استحقاق مهرالمثل را دارد^۶

۲- در صورتی که تراضی در باره مهرالمسمی به جهتی باطل باشد و برای مهر نتوان مثل یا قیمتی معین کرد، مانند موردی که مهرالمسمی مجهول باشد یا مالیت نداشته باشد.^۷ یا به علت اشتباه و سوء تفاهم در مفاد پیشنهادها تراضی محقق نشود و در این صورت نیز زن مهرالمثل را میگیرد. منتها استحقاق گرفتن این مهرالمثل منوط به وقوع نزدیکی نیست

^۲ - زن در آینه جلال و جمال، آیه الله جوادی آملی، ص ۳۴۰

^۳ - جامع احادیث شیعه، ج ۲۱، ص ۲۰۶

^۴ - ماده ۱۰۹۱ قانون مدنی

^۵ - تعیین مهر در نکاح دائم از شرایط درستی عقد نیست و ممکن است موکول به تراضی بعد از آن شود به در عقد زن اعلام کند که مهر نمی‌خواهد.

^۶ - ماده ۱۰۸۷ قانون مدنی

^۷ - ماده ۱۱۰۰ قانون مدنی

۳- در موردی که نکاح باطل است ، ولی زن از فساد آن اطلاع ندارد ، و در اثر جهل به حکم یا موضوع عقد ، آن را در ست می پنداشته است . در این حالت اگر نزدیکی واقع شده باشد ، زن استحقاق گرفتن مهرالمثل را دارد .^۸

مهر المتعه :

منظور از مهرالمتعه مهري است که با توجه به حال مرد از حیث غنا و فقر ، تعیین میشود . هرگاه مهر در عقد ذکر نشده باشد و شوهر قبل از نزدیکی و تعیین مهر زن خود را طلاق دهد ، زن مستحق مهرالمتعه است^۹

مهر السنه:

مهر السنه ، پانصد درهم است که برابر پنجاه دینار طلاست . هر دینار برابر یک مثقال شرعی طلاست . و علت اینکه این مبلغ را مهرالسنه گویند این است که پیغمبر اکرم (ص) این مبلغ را مهریه زنان خود قرار داده اند .

فلسفه این مبلغ در قسمت مهریه زنان پیامبر (ص) بیان شده است .

نکاح مفوضه المهر :

هر گاه در عقد نکاح تعیین میزان مهر به یکی از زوجین یا دیگری واگذار شود ، زنی را که بدین گونه شوهر کرده است در اصطلاح مفوضه المهر می نامند ، به این اعتبار که زن اختیار تعیین مهر را به دیگری تفویض کرده است .

مفوضه البضع :

هر گاه مهریه در ضمن عقد به طور کلی ذکر نشده باشد چنین زوجه ای را " مفوضه البضع " گویند . در این مورد طرفین می توانند بعد از انجام عقد نکاح مهریه را با توافق یکدیگر معین کنند که در این صورت مهر معین شده مهرالمسمی خواهد بود .

در چنین مواردی ، هرگاه قبل از تعیین مهر و قبل از نزدیکی جدائی به علت فوت اتفاق افتد زن مستحق هیچ چیز نخواهد بود^{۱۰} و اگر جدائی به علت طلاق اتفاق افتد زن مستحق مهر المتعه است و اگر بعد از آن طلاق دهد مستحق مهرالمثل خواهد بود.^{۱۱}

مهر در قرآن :

در قرآن مجید واژه مهر به کار نرفته است بلکه از لغات معادل آن (صدق ، نحل ، فریضه) استفاده شده است آیات زیر مبنای فقهی مهر در قرآن است :

" و اتوا النساء صدقاتهن نحله^{۱۲}"

صدق های زنان را به عنوان بخشش پرداخت نمائید

^۸ - ماده ۱۰۹۹ قانون مدنی

^۹ - ماده ۱۰۹۳ قانون مدنی

^{۱۰} - ماده ۱۰۸۸ قانون مدنی

^{۱۱} - ماده ۱۰۹۳ قانون مدنی

^{۱۲} - سوره نساء ، آیه ۴

"صدقات جمع صدقه (به ضم دال و فتح قاف) یعنی صدق (به فتح و یا کسر صاد) که جمع آن اصدقه و صدق است از آن جهت کابین را صدق گویند که نشانه صادقانه بودن علاقه مرد است"^{۱۳} یا "به خاطر آن که نشانه صدق ایمان است"^{۱۴}

نحله (به کسر نون) یعنی بخشش از روی طیب نفس و رضایت خاطر و به کار رفتن این واژه از آن جهت است که مهر جنبه اهدائی و پیشکشی و عطیه و هدیه دارد .
خداوند در این آیه شریفه به حقوق مالی زن اشاره می کند و از همسران خواستار پرداخت مهریه به زنان می باشد . قرآن با این بیان زیبا ، مردان را دعوت کرده که بدون رنجش و با کمال آرامش مهریه آنان را بپردازند .

" و ان طلقتموهن من قبل ان تمسوهن و قد فرضتم لهن فريضة فنصف ما فرضتم "^{۱۵}
هر گاه زنان را قبل از همبستری طلاق دادید نیمی از مهر آنان را پرداخت کنید .
" فما استمتعتم به منهن فاتوهن اجورهن "^{۱۶}
از زنان که استمتاع می برید اجر آنان را پرداخت کنید .
این آیه بر نکاح منقطع تفسیر شده و لذا بر مهریه نکاح منقطع اجر (مزد) اطلاق گردیده است .
" و اتيتم احداهن قنطارا فلا تاخذوا منه شيئا "^{۱۷}
اگر اندازه پری یک پوست شتر مهریه زن پرداخته اید حق ندارید چیزی از او باز پس گیرید .
مهر در سنت :

" عن الرضا ، عن آبائه (ع) قال : قال رسول الله (ص) ان الله تعالى غافر كل ذنب الا من جحد مهرا او ... "^{۱۸}

پیامبر اکرم (ص) فرمود : بدرستی که خداوند متعال هر گناهی را می آمرزد مگر گناه کسی که مهریه زن را انکار کند .

" قال ابو عبدالله (ع) السراق ثلاثة...مستحل مهوور النساء ... "^{۱۹} امام صادق (ع) فرمود : سرقت سه نوع است : یک نوع آن ، این است که مردی مهریه زن را بر خودش حلال بداند .

" عن صادق (ع) قال : اقدر الذنوب ثلاثة ... حبس مهر المرأة ... "^{۲۰}
امام صادق (ع) فرمود : پلید ترین گناهان سه چیز است : یکی از آنها نگهداشتن مهریه زن است .
" ... وقال (ع) : من ظلم امرأة مهرها فهو عند الله زان . يقول الله عزوجل له يوم القيامة : عبدی زوجتک امتی علی عهدی فلم توف بعهدی و ظلمت امتی . فیؤخذ من حسناته فیدفع الیها بقدر حقها ، فاذا لم تبق له حسنة امر به الی النار بنکته للعهد ، ان العهد کان مستغولا "^{۲۱}

۱۳ - کشف ، زمخشری ، ج ۱ ، ص ۴۶۹

۱۴ - مفردات راغب ، ص

۱۵ - سوره بقره ، آیه ۲۳۷

۱۶ - سوره نساء ، آیه ۲۴

۱۷ - سوره نساء ، آیه ۲۰

۱۸ - بحار الانوار ، محمد باقر مجلسی ، ج ۱۰۳ ، ص ۱۲۹

۱۹ - بحار الانوار ، محمد باقر مجلسی ، ج ۱۰۳ ، ص ۱۰۳

۲۰ - بحار الانوار ، محمد باقر مجلسی ، ج ۱۰۳ ، ص ۱۶۹ / وسائل الشیعه ، شیخ حر عاملی ، ج ۱۹ ، ص ۱۰۸

... پیامبر اکرم (ص) فرمود: کسی که در مورد مهریه همسرش به او ظلم و ستم کند، این شخص نزد خداوند زنا کار محسوب می شود و خداوند در روز قیامت به او می گوید: بنده من، بنا بر پیمان و عهد من با همسرت ازدواج کردی ولی به عهد و پیمان من وفا نکردی و به بنده ام ظلم نمودی. بعد از آن کارهای نیک مرد گرفته می شود و به زن داده می شود البته به اندازه حق زن و اگر برای آن مرد حسنه ای باقی نباشد، دستور داده می شود تا را به سبب شکستن عهدش در آتش بیافکنند، چون عهد و پیمان مورد سوال واقع می شود.

" عن ابی جعفر (ع) قال: دخل قوم علی الحسی بن علی (ع) فقالوا: یا ابن رسول الله نری من منزلک اشیاء نکرهها و اذا فی منزله بسط و نمارق .

فقال (ع): انا نتزوج النساء فنعطین مهورهن فیشرین ما شئن لیس لنا منه شیئی^{۲۲}

امام باقر (ع) فرمود: گروهی نزد امام حسین (ع) رفته و گفتند: ای فرزند رسول خدا، در منزل تو چیزهایی می بینیم که پسندیده نیست (در منزل قالیچه و ناز بالشهای کوچک بود) آن حضرت فرمود: ما زمانی که ازدواج می کنیم مهریه زنان خود را به آنها می دهیم و آنها با مهریه خود چیزهایی که مایل هستند می خردند و آن چیزها متعلق به ما نمی باشد.

" ... عن ابی الحسن الرضا (ع): قال: سئل ابوالحسن (ع) عن الرجل یزوج ابنته اله ان یاکل من صداقها؟ قال: لیس له ذالک...^{۲۳}

از امام رضا (ع) سوال شد: مردی که دخترش را به عقد ازدواج مردی در آورده است آیا می تواند مقداری از مهریه زن را مورد استفاده قرار دهد؟ آن حضرت فرمود: پدر چنین حقی ندارد ...

مقدار و نوع مهریه در فقه:

الف) مهریه مادی:

در ارتباط با میزان مهریه آیات و روایات، مقدار آن را مشخص نکرده است و توافق و رضایت طرفین را معیار مقبولیت آن دانسته است. صاحب جواهر الکلام در حدیثی از امام صادق (ع) آورده است: "الصداق کل شیء تراضی علیه الناس قل اوکثر"^{۲۴} یعنی مهر همان مقدار است که طرفین عقد بدان راضی شوند چه کم و چه زیاد. در باره تعیین میزان مهریه در قرآن چنین آمده "فما استمتعتم به منهن فاتوهن اجرهن فریضة"^{۲۵} یعنی چون از ایشان به صورت متعدد برخوردار شوید مهرهایشان را که معین است بپردازید. پس مشاهده می کنیم که آیه تصریح به پرداخت مهریه نموده اما اشاره به کیفیت مقدار آن ننموده است اما در لسان روایات تاکید بر قلت میزان مهریه شده است.

۲۱ - بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۷۶، ص ۳۳۳ / وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۲۱، ص ۲۶۷

۲۲ - همان، ج ۷۹، ص ۳۲۲ / الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۶، ص ۴۷۶ / وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۳۶

۲۳ - وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۲۷۲ / تهذیب، ج ۷، ص ۳۶۴ و ۳۶۵

۲۴ - جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳

۲۵ - سوره نساء، آیه ۲۴

شیخ صدوق در حدیثی به نقل از جعفر بن محمد از پیامبر (ص) آورده است که: "افضل النساء امتی اصبحن وجها و اقلهن مهرا"^{۲۶} یعنی بهترین زنان امت من زیباترین و کم مهرترین آنان هستند

در خصوص مقدار مهر در فقه امامیه دو نظر وجود دارد، بعضی معتقدند که مهر نباید از پانصد درهم، معادل پنجاه دینار، تجاوز نماید^{۲۷} و چنانچه بیش از آن مقرر گردد به همین مقدار برگشت خواهد کرد. این مقدار را اصطلاحاً "مهر السنه" نامیده اند، به آن جهت که رسول الله (ص) تمامی همسران خویش را به همین مقدار کابین بست.

اما مشهور فقها امامیه معتقدند که مقدار مهریه از نظر کمی و زیادی محدودیتی ندارد، تنها از ناحیه کمی بایستی چیزی باشد که مالیت داشته و قابل تملک بوده باشد.^{۲۸} مشهور فقها در این باب به آیه زیر استناد کرده اند.

"و آیتیم احداپهن قنطاراً"^{۲۹}

قنطار به کسر قاف، به معنای مال عظیم است و در قامس قنطار را معادل ده هزار دینار طلا دانسته و در المنجد آن را عبارت از وزنی دانسته که مقدار ثابتی ندارد و به تحول ایام متغیر می شود فقها با استدلال به آیه فوق الذکر گفته اند که مهر از جهت زیادی حد معینی ندارد ولی اضافه کرده اند که قرارداد بیش از اندازه مذکور (یعنی همان مهر السنه) مکروه و ناپسند است.

"عن الریان بن شیب قال: ... ان محمد بن علی بن موسی یخطب ام الفضل بنت عبدالله المامون و قد بذل لها من صداق مهر جدته فاطمة بنت محمد (ص) و هو خمس مائة درهم جیادا"^{۳۰}

راوی گوید: ... حضرت جواد (ع) هنگام ازدواج با ام الفضل دختر مامون، مهریه او را به میزان مهریه جده اش فاطمه (ع)، پانصد دینار قرار داد ...

"قال سندی بن شاهک کنت سالت وسی بن جعفر (ع) ... قال ... انا اهل البیت مهوور نساونا ... من طاهر اموالنا."^{۳۱}

ما خاندانی هستیم که مهریه زنان ما ... از اموال طاهر و پاکمان می باشد.

اما در رابطه با کیفیت مهر در کتب فقهی چنین آمده که "هر چیز قابل تماکی را چه عین باشد چه منفعت، مانند آموزش حرفه و یا سوره ای از قرآن می توان مهر قرار داد"^{۳۲}

در قانون مدنی نیز چنین بیان شده "هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تملک نیز باشد می توان مهر قرار داد"^{۳۳}

^{۲۶} - من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۴۳

^{۲۷} - شرح لمعه، شهید ثانی، ج ۲، ص ۹۸ / وسائل الشیعه، باب ۴ از ابواب مهوور، / جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۴۷

^{۲۸} - تحریر الوسیله، امام خمینی، ج ۲، ص ۲۹۷، مسئله ۱

^{۲۹} - سوره نساء، آیه ۲۰

^{۳۰} - بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۷۶ / وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۲۴۹

^{۳۱} - بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۳۳۰ / وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۵

^{۳۲} - تحریرالروضه فی شرح اللمعه، امینی، آیتی، مبحث نکاح، ص ۴۷۰

^{۳۳} - قانون مدنی، ماده ۱۰۷۸

بنابراین مهریه مورد قرار دا باید قابل تملک باشد . غیر قابل تملک بودن شیئی به خاطر آنست که شرعا یا از ارزش ساقط است مانند آلات لهوو خمر و خوک و یا اصلا قابل اختصاص و نقل و انتقال نیست مانند موقوفات و اموال عمومی و مشترکات .
با این توصیف اعیان و منافع و حقوق مالی مطلقا می تواند مهریه قرار گیرد به شرط آن که واجد دو شرط فوق الذکر باشد . کار و نیروی انسانی نیز از آنجا که منفعت محسوب است ، می تواند مهریه قرار گیرد ، هر چند که کار خود زوج باشد ، مثل آنکه زوج بر عهده گیرد که زوجه را به علمی از علوم یا فنی از فنون آموزش دهد .^{۳۴}

ب) مهریه معنوی:

" عن ابی جعفر (ع) قال : جاءت امرأة الی النبی (ص) فقالت : زوجنی . فقال رسول الله (ص) من اهذه ؟ فقال رجل ، فقال ، انا یا رسول الله (ص) زوجنیها . فقال : ما تعطیها ؟ فقال : مالی شیئی . قال : لا ، فاعادت . فاعاد رسول الله (ص) الکلام فلم یقم احد غیر الرجل . ثم اعادت فقال رسول الله (ص) فی المرءة الثالثة اتحسن من القرآن شیئا ؟ قال : نعم . قال : قد زوجتکها علی ما تحسن من القرآن فعلمها اياه ^{۳۵}

امام باقر (ع) فرمود :

زنی نزد پیامبر (ص) آمده گفت : مرا شوهر بده . پیامبر رو به اصحاب کرده فرمود : چه کسی مایل است با این خانم ازدواج نماید ؟ مردی بر خاست و گفت : ای رسول خدا (ص) من با او ازدواج می کنم . آن حضرت پرسید : مهریه او را چه قرار می دهی ؟ او گفت : من چیزی ندارم . آن حضرت فرمود : پس نمی توانی با او ازدواج کنی . آن زن تقاضای خود را برای ازدواج تکرار کرد . پیامبر (ص) نیز رو به اصحاب نمود و سخن سابق خود را تکرار کرد . این دفعه نیز کسی جز همان مرد موافقت خود را در ازدواج با آن زن اعلام نکرد . پیامبر (ص) نیز پس از سوال مجدد و شنیدن جواب تکراری ، تقاضای مرد را رد نمود . در مرتبه سوم که زن و مرد سخن خود را تکرار نمودند ، حضرت از آن مرد سوال نمود : آیا قرآن را به نکوئی می دانی ؟ او گفت : بله . آن حضرت فرمود : پس این زن را به عقد ازدواج تو در آوردم و مهریه اش را آموزش قرآن قرار دادم .

" کان خادم علی بن موسی الرضا (ع) قال : لما زوج المامون محمد بن علی بن موسی (ع) ابنته کتب الیه ان لکل زوجة صداقا من مال زوجها و قد جعل الله اموالنا فی الاخرة موجله لنا فکنزناها هناک ، کما جعل اموالکم فی الدنيا معجلة لکم فکنزتموها هنا و قد امهت انتک الوسائل الی المسائل و هی مناجاة دفعها الی ابی ... ^{۳۶}

خادم امام رضا (ع) گوید : وقتی مامون دخترش را به همسری امام جواد (ع) در آورد ، امام جواد (ع) به مامون نوشت که هر زنی مهریه ای از مال شوهرش دارد و خداوند اموالی را برای ما در آخرت قرار داده که آن را برای ما به تاخیر انداخته و ما آن را در آنجا ذخیره کرده ایم ، همانگونه که

^{۳۴} - تحلیل فقهی حقوق خانواده ، سید مصطفی محقق داماد ، ص ۲۲۵

^{۳۵} - وسائل الشیعه ، ج ۲۱ ، ص ۲۴۲ ، تهذیب ، ج ۷ ، ص ۳۵۴

^{۳۶} - بحارالانوار ، ج ۹۴ ، ص ۱۱۳

برای شما در دنیا اموالی زودتر داده و شما آن را در دنیا ذخیره کرده اید. من به دخترت با وسیله هایی که به مسائلی دست یابد، مهریه دادم و آن مناجاتی است که پدرم به من آموخت.

تملك مهریه در فقه :

اسکافی از فقهای امامیه معتقد است که زوجه همزمان با انجام عقد تنها مالک نصف مهر می شود و با نزدیکی (و یا عوامل دیگر استقرار دهنده مهر) تمامی آن را مالک می گردد^{۳۷} ولی مشهور فقها معتقدند که با انجام عقد زن مالک تمامی مهر می گردد^{۳۸} ولی به طور متزلزل، و با انجام عمل نزدیکی یا عوامل دیگر تمامی آن مستقر خواهد شد.

مستند مشهور فقها در مسئله فوق، علاوه بر اجماع و روایات، آیه شریفه "و اتوا صدقاتهن نحلّه"^{۳۹} می باشد که حکم این آیه مطلق است و به قبل یا بعد از نزدیکی مقید نیست.

به موجب این نظر هر گاه قبل از نزدیکی طلاق اتفاق بیفتد زوجه موظف است که چنانچه تمامی مهر را در یافت داشته نیمی از آن را به زوج بر گرداند و اگر هنوز مهر پرداخت نشده فقط نیمی از آن را استحقاق خواهد داشت.

مهریه همسران پیامبر(ص):

در رابطه با مهریه همسران رسول خدا آنچه که متواتر است پانصد درهم و یا با اندک تفاوت نقل شده است. راجع به مقدار مهریه همسران پیامبر (ص) از عایشه سؤال می شود وی در جواب می گوید: "فتلك خمس مئة درهم، فهذا صدق رسول الله(ص) (لازواجه؛" میزان مهریه ای آنان پانصد درهم بود. این مقدار مهریه ای بود که پیامبر(ص) برای همسرانش قرار داده بود."

امام صادق(ص) در باره مهریه زنان و دختران پیامبر(ص) می گوید که: "ما تزوج رسول الله(ص) شیئاً من نسائه و لا زوج شیئاً من بناته علی اکثر من اثنتی عشرة اوقیه و نش؛"^{۴۱} هیچ گاه مهریه زنان پیامبر(ص) و دختران آن حضرت بیش از دوازده اوقیه و نصف نبود."

در جای دیگر می فرماید: "ساق رسول الله ألی ازواجه اثنتی عشرة اوقیه و نشاً و الاوقیه اربعون درهماً و النش نصف الاوقیه عشرون درهماً فکان ذلک خمسمائة درهم؛"^{۴۲} مهریه فرستاده خدا به همسرانشان، دوازده اوقیه و نش بود و اوقیه به مقدار چهل درهم و نش نصف اوقیه یعنی بیست درهم است که مجموع آن پانصد درهم می شود.

از بررسی سیره رسول خدا (ص) در باره مهریه همسرانشان معلوم شد که حضرت مهریه همه گی را به یک اندازه قرار داده است. حضرت حتی به ام حبیبه که در عالم غربت و به دور از اقوام زندگی می کرد که قطعاً به پول بیشتری نیاز داشت، نیز همان مهریه را می فرستد که به دیگران داده بود.

۳۷ - جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۱۰۸

۳۸ - شرح لمعه، شهید ثانی، ج ۲، ص ۱۰۰ / جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۱۰۷

۳۹ - سوره نساء، آیه ۴

۴۰ - معانی الاخبار، شیخ صدوق، ص ۲۱۴

۴۱ - الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۵، ص ۳۷۶

۴۲ - تاریخ کامل، عزالدین ابن اثیر، ج ۳، ص ۱۱۷۹

برای این کار پیامبر(ص) که مهریه همه را به یک اندازه می داد، شاید علت های زیادی وجود داشته باشد. اما آنکه از همه احتمالش بیشتر می رود این است که با توجه به اصل فلسفه مهریه که برای میمنت و مبارک بادی زندگی جدید و شیرین تر کردن آن وضع شده است؛ برای کسانی که مثل پیامبر(ص) زن های متعدد داشت، اگر این آینده نگری یعنی تساوی مهریه را نمی داشت، مسلماً از آن محبت و مهرورزی که برای زندگی جدید پیش بینی شده است خبری نبود. چون برای آن عده از همسران پیامبر(ص) که مهریه کمتری دریافت کرده بود، این احتمال را می داد که حضرت او را به اندازه آن همسری که مهریه بیشتر دریافت کرده دوست نداشته باشد.

اما سر اینکه مهر السنه مبلغ پانصد درهم گردیده است ، در علل الشرایع آمده که

"حدثنا علي بن ابراهيم عن ابيه عن علي بن معبد عن الحسين بن خالد قال : سالت اباالحسن (ع) عن مهر السنه كيف صار خمسمائة درهم ؟

فقال : ان الله تبارك و تعالی اوجب علی نفسه ان لا یکبره مومن مائة تکبیره و یحمد مائة تحمیده و یسبحه مائة تسبیحه و یهلله مائة تهلیله و یصلی علی محمد و آل محمد مائة مرة ثم یقول : اللهم زوجنی من الحور العین الا زوجة الله حوراء من الجنه و جعل ذالک مهرها فمن ثم اوحی الله الی نبیه صلی الله علیه و آله ان یسن مهور المومنات خمسمائة درهم ففعل ذلک رسول الله صلی الله علیه و آله " ۴۳

محمد بن علی ماجیلویه از علی بن ابراهیم ، از پدرش ، از علی بن معبد ، از حسین بن خالد نقل کرده که وی گفت : از حضرت اباالحسن (ع) راجع به مهر السنه سوال کرده و پرسیدم : چگونه پانصد درهم گردیده است ؟

حضرت فرمودند : خداوند تبارک و تعالی بر خود واجب نمود که هر گاه مومنی صد بار الله اکبر و صد بار الحمد لله و صد بار سبحان الله و صد بار لا اله الا الله و صد بار صلوات بر محمد و آل محمد فرستاده و سپس بگوید : اللهم زوجنی من الحور العین (خدایا حورالعین را به تزویج من در بیاور) حتما یک حوری از حوریهای بهشتی را به تزویجش در می آورد و این اذکار را مهر آن قرار داده است سپس به پیامبرش وحی فرمود که مهریه زنان مومنه را پانصد درهم قرار دهد رسول خدا (ص) نیز چنین کردند .

مهریه فاطمه زهرا سلام الله علیها :

هنگامی که پیامبر(ص) فاطمه (س) را به ازدواج علی(ع) درآورد به علی(ع) فرمود : علی جان حالا که می خواهی همسرت را ملاقات کنی باید این دیدار، همراه با تحفه و هدیه (مهریه) باشد تا زندگی شما شیرین تر و محبت آمیزتر گردد. علی(ص) در جواب پیامبر(ص) می فرماید: یا رسول الله چیزی که لیاقت و شایستگی زهرا را داشته باشد ، ندارم. پیامبر(ص) می گوید: زره حطمیه کجاست؟ جواب می دهد که نزد من است. حضرت می فرماید که قیمت همان را به فاطمه بدهید". لذا مهریه حضرت فاطمه زهرا (س) یک زره که به مبلغ چهارصد و هشتاد یا پانصد درهم داشت ، بود .

زمان پرداخت مهریه در اسلام:

سیره عملی پیامبر(ص) حکایت از تقدیم این هدیه، در اوّل زندگی مشترک دارد. در باره رسول گرامی اسلام آمده است که: "پیامبر(ص) مهریه ام حبیبه دختر ابوسفیان بن حرب را به خانه وی فرستاد"^{۴۴} نقل شده است که: "نجاشی پادشاه حبشه به احترام پیامبر(ص) چهار صد درهم را به چهار هزار درهم رساند و به ام حبیبه تقدیم کرد"^{۴۵} پیامبر(ص) مهریه ام حبیبه را زودتر از موعود، در شرایطی که به آن سخت نیاز داشت پرداخت نمود.

ابن عباس می گوید: "لما زوج النبی(ص) فاطمة علیا قال له النبی اعطها شیئاً قال ما عندی شیء قال فأین درعک الحطمیة قال علی عندی قال فأعطها آیاها؛"^{۴۶} هنگامی که پیامبر(ص) فاطمه را به ازدواج علی(ع) درآورد به علی گفت: علی جان حالا که می خواهی همسرت را ملاقات کنی باید این دیدار، همراه با تحفه و هدیه (مهریه) باشد. [تا زندگی شما شیرین تر و محبت آمیزتر گردد.]. علی(ص) در جواب پیامبر(ص) می فرماید: یا رسول الله چیزی [که لیاقت و شایستگی زهرا را داشته باشد] ندارم. پیامبر(ص) می گوید: زره حطمیة کجاست؟ جواب می دهد که نزد من است. حضرت می فرماید که قیمت همان را به فاطمه بدهید."

پس معلوم شد که پیامبر(ص) و ائمه(ع) مهریه همسرانشان را در اوّل زندگی تقدیم می کردند. امام حسین(ع) می فرماید که: "انا نتزوج النساء فتعطین مهرهن؛"^{۴۷} ما در همان ابتدای ازدواج، مهریه همسرانمان را پرداخت می کنیم."

از سیره عملی پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) به دست می آید که آنان به عشق و احساسات پاک شریک زندگی جدید احترام می گذاشتند و آن را ابراز می کردند. با مهر و عشق مهریه را به صورت نقدی اهداء می نمودند.

از رفتار، کردار و گفتار پیشوایان دین به دست می آید که زندگی مشترک، لایه های ظریف و ناپیدایی دارد که اگر خوب شناسایی و مطابق آن عمل نشود نمی توان خانواده موفق داشت. پس بر ماست که در زندگی معصومان دقت نماییم و راز و رمزهای استحکام خانواده را بیاموزیم

فلسفه مهریه زن در نظام حقوقی اسلام :

در رابطه با فلسفه مهر نظرات گوناگونی بیان شده که حاکی از یکسری شبهات و ابهامات در این زمینه می باشد از جمله اینکه فلسفه مهر باز خرید دختر از پدر و بهای او بوده ، نظر دیگر اینکه چون در زمانهایی برای زن حق مالکیت و استقلال اقتصادی قائل نبودند لذا فلسفه مهر صرفاً اینست که در مقابل سلب حقوق اقتصاد زن ، پولی به او برسد ، عقیده دیگر اینکه فلسفه مهر را وثیقه مالی در مقابل حق طلاق برای مرد ذکر کرده اند و از همه بی پایه تر اینکه بعضی از این فلسفه ها را به اسلام نسبت داده اند . حال در پاسخ به این شبهات باید گفت که :

^{۴۴} - السیرة الرسول الله الاسوة الحسنه ، اسعد محمد سعید صاغر جی ، ج ۲ ، ص ۳۶۴

^{۴۵} - بحارالانوار ، محمد باقر مجلسی ، ج ۴۳ ، ص ۱۰۷

^{۴۶} - الکافی ، محمد بن یعقوب ، ج ۶ ، ص ۴۷۶

^{۴۷} - الکافی ، محمد بن یعقوب کلینی ، ج ۶ ، ص ۴۷۶

اسلام هیچکدام از موارد یاد شده را به عنوان فلسفه مهر قبول ندارد و در هیچ جای قرآن و سنت چنین فلسفه ای برای مهریه زن بیان نشده است بلکه قرآن تصریح می کند که مهر عنوانی جز عطیه و پیشکشی ندارد. "بعلاوه اسلام قوانین اقتصادی خود را آنچنان تنظیم کرده که مرد حق هیچگونه بهره برداری اقتصادی از زن ندارد. در این صورت چگونه می توان مهر را بعنوان قیمت زن یاد کرد"^{۴۸} مطلب دیگر اینکه اگر نظر اسلام این بود که مهر یک وثیقه مالی است چرا در قرآن کلمه "نحلّه" آمده نه کلمه وثیقه.

قرآن کریم رسوم جاهلیت را در باره مهر منسوخ کرد و آن را به حالت اولی و طبیعی برگردانید در جاهلیت پدران و مادران، مهر را به عنوان "حق الزحمه" و "شیر بها" حق خود می دانستند. شیر بهاء به ولی دختر تعلق می گرفت و از موجبات و ارکان اصلی نکاح به شمار میرفت لذا موافقت یا مخالفت ولی با شیر بهای پیشنهادی، عموماً تعیین کننده در سرگیری یا عدم سرگیری نکاح بود، بدون آنکه رضایت یا عدم رضایت دختر محلی برای بحث داشته باشد

و از طرف دیگر مهر دختر را متعلق به خود می دانستند نه به دختر، دختران را معاوضه می کردند. به این نحو که مردی به مرد دیگر می گفت که من دختر یا خواهرم را به عقد تو در می آورم که در عوض دختر یا خواهر تو زن من باشد و او هم قبول می کرد به این ترتیب هر یک از دو دختر مهر دیگری به شمار می رفت. این نوع نکاح را نکاح شغار می نامیدند. اسلام این رسم را منسوخ کرد. در روایات اسلامی آمده که پدر نه تنها حقی به مهر ندارد بلکه اگر در عقد ازدواج برای پدر به عنوان امری جداگانه از مهر چیزی شرط شود و مهر به خود دختر داده شود باز هم صحیح نیست.

قرآن کریم هر رسمی که موجب تضییع مهر زنان می شد منسوخ کرد، از آن جمله اینکه وقتی که مردی نسبت به زنش دلسرد و بی میل می شد او را در شکنجه و مضیقه قرار می داد و هدفش این بود که او را به طلاق راضی کند تا تمام یا قسمتی از آنچه به عنوان مهر به او داده یا بر عهده گرفته پس بگیرد یا زن از آن صرف نظر کند قرآن کریم فرمود: "ولا تعضوهن لتذهبوا ببعض ما آتیتموهن" یعنی زنان را به خاطر اینکه چیزی از آنها بگیرید و قسمتی از مهری که به آنها داده اید جبران کنید تحت مضیقه و شکنجه قرار ندهید.

اسلام مهریه را به عنوان پشتوانه محکم حقوق اجتماعی زن که حق مسلم او بوده، تبیین کرده است در حالی که در عصر جاهلیت هیچگونه حقوق مالی و ارزش معنوی برای زنان قائل نبودند. جایگاه مهریه در اسلام از دیدگاه پاره ای از مفسران عبارت است از "چیزی به عنوان خسارت برای زن و وسیله ای برای تامین زندگی آینده او و به شکل اهرمی برای سرکوبی تمایلات نفسانی مرد قرار داد."^{۴۹}

پس مهریه وسیله ای برای لذت بخش نمودن زندگی و عامل قوی برای الفت بین زن و شوهر است؛ نه اهرم فشار و میج گیری. قانون گذار، مهریه را برای جبران نقص ارث زن و جلوگیری از

^{۴۸} - نظام حقوق زن در اسلام، مرتضی مطهری، ص ۲۱۴
^{۴۹} - تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، ج ۳، ص ۲۹۸

طلاق‌های بی‌مورد و اثبات پایمردی و علاقه مرد به اتحاد با زن مقرر کرده است.^{۵۰} اگر مهریه را اهرم فشار برای جلوگیری از طلاق‌های بی‌مورد بدانیم؛ اولاً این فرضیه، با کردار و گفتار پیشوایان پاک که مهریه را در اول زندگی پرداخت می‌کردند و با توصیه آنان مبنی بر کم بودن مهریه سازگاری ندارد. زیرا مهریه‌ای که پرداخت شده است و مهریه‌ای که از نظر ارزش مالی ناچیز است نمی‌تواند اهرم فشار باشد. و ثانیاً این فرضیه (اهرم فشار) سبب می‌شود که مهریه‌ها روز به روز بالا و بالاتر رود

با این بیانات می‌توان چنین نتیجه گرفت که :

سوء تفاهمی که میان دنیای سنتی و جهان متجدد بر سر مهریه به وجود آمده است و خاصه مواجهه‌ی منتقدانه پاره‌ای از نحله‌های فمینیستی را با دین و به ویژه اسلام موجب شده است ، بیشتر با حقیقت شیر بهاء سازگار است و نه مهریه ، شیربهاء مربوط به دورانی است که به زن به چشم کالا نگریسته می‌شد دورانی که ارزش انسانی زن را به مثابه یک کالا مورد خرید و فروش تقلیل می‌داد ، اما چنین استنباطی از مهریه تقریباً به کل با حقیقت امر تعارض دارد .

مطلب دیگر اینکه " بلا شک از نظر اسلام ، مهریه حتی ضمانت مالی برای تداوم ندگی مشترک و یا برای استمرار معیشت و زندگی اقتصادی زن پس از طلاق نیست که اگر چنین بود بایستی شرط لازم برای نکاح می‌بود . به نظر می‌رسد که شریعت اسلام در شاخه‌های از آن که حقوق را با اخلاق می‌آمیزد و ارزشهای مادی را به ارزشهای معنوی تبدیل می‌کند در باره مهریه نیز چنین روندی را طی کرده است . تعبیری که قرآن از مهریه نموده ، صداق است صداق بی شک ضمن آن که متضمن بار حقوقی است پایه‌ای کاملاً اخلاقی دارد زیرا موید صداقت و ابراز وفاداری زوج در برابر زوجه است . در واقع صداق عنصر سوم و در عین حال اختیاری و غیر اجباری در نکاح است که مرد آن را به عنوان هدیه به زن تقدیم می‌کند . "^{۵۱} مرتضی مطهری برای توجیه فلسفه‌ی مهریه در شریعت اسلامی از علم روانشناسی مایه گرفته و گفته " مهر از آن جا پیدا شده که در متن خلقت ، نقش هر یک از زن و مرد در مساله عشق مغایر نقش دیگری است قانون خلقت ، جمال و غرور و بی‌نیازی را در جانب زن ، و نیازمندی و طلب و عشق و تغزل را در جانب مرد قرار داده است و همین موجب شده که همواره مرد از زن " خواستگاری " کند ، از طرفی زن از مرد در مقابل شهوت توانا تر و خوددارتر آفریده شده و این خصوصیت همواره به زن فرصت داده است که دنبال مرد نرود و زود تسلیم نشود و بر عکس مرد را وادار کرده است که به زن اظهار نیاز کند و برای جلب رضای او اقدام کند یکی از این اقدامات این بوده که برای جلب رضای او و به احترام موافقت او ، هدیه‌ای نثار او می‌کرده است و این هدیه یعنی مهر با حیا و عفاف زن یک ریشه دارد [چرا که] زن به الهام فطری در یافته است که عزت و احترام او به این است که خود را رایگان در

^{۵۰} - حقوق مدنی خانواده ، ناصر کاتوزیان ، ص ۱۱۲

^{۵۱} - حقوق زن از آغاز تا امروز ، نای بن سعدون ، ترجمه گیتی خورسند ، ص ۲۴۰

اختیار مرد قرار ندهد و به اصطلاح شیرین بفروشد ... و عطیه و پیشکشی از او به عنوان نشانه ای از صداقت او دریافت دارد " ۵۲

آیت الله جوادی آملی هم مهریه را ارزش قدسی دانسته و می فرمایند که " منشا این گونه از امور مادی [یعنی مهریه] همانا حقیقت های ملکوتی است و جریان نکاح زن و مرد صبغه ازدواج بهشتیان با حورالعین را دارد " ۵۳

بنابراین نباید بار به شدت مادی ای که مهریه ، اکنون در میان جوامع مسلمان پیدا کرده به حساب سنت دینی گذاشته شود . اسلام مهریه را با ارزشهای پیشامدرنی تیول داری و برده داری آمیخته نمی کند . بلکه از این رهگذر ، بر استقلال اقتصادی زن و یا اهلیت تملک او صحه ای دیگر می گذارد و او را از طریق این هدیه ، تکریم می کند ، بی آنکه آن را در عداد عقود معوض قرار دهد . باری در عقد معوض ، عقد بدون ذکر کمیت عوض - که باید تابع ارزش معوض باشد - درست نیست ، حال آن که نکاح ، بدون ذکر کمیت مهریه نیز صحیح است و حتی عقد نکاح در صورت بطلان و فسخ مهریه نیز از بین نمی رود و زن را به هیچ روی از انجام وظایفی که در قبال شوهر بر دوش دارد ، معاف نمی کند ، حال آنکه در عقد معوض ، عدم تعیین و پرداخت عوض ، موجب از بین رفتن عقد می شود **مهریه در عصر حاضر و انتظار از جوانان :**

متاسفانه در عصر حاضر یکی از مشکلات در مبحث نکاح تعیین مهریه های سنگین از سوی برخی خانواده ها ست که این امر یعنی کلان بودن میزان این هدیه ، بار معنوی و سمبولیک آن را تقریباً زایل می کند و به آن وجه ای کاملاً مادی می بخشد . در حالی که مادر بحث فلسفه مهریه بیان کردیم که مهریه ارزش قدسی و معنوی دارد

در سال های اخیر میزان مهریه به صورت نامتعارف و غیر منطقی و بدون هیچ مبنایی افزایش پیدا کرده است تا حدی که این معضل در میان بیشتر خانواده ها حتی در شهرهای کوچک و برخی روستا ها به یک اپیدمی تبدیل شده است. هرچند این فرایند بدون هیچ دلیل منطقی و گاه به خاطر ضعف فرهنگی، پائین بودن میزان آگاهی و نداشتن شناخت صحیح از اصل مهریه یا صداق ، ایجاد شده اما به نظر می رسد به عنوان مسأله ای مهم و قابل تأمل مورد توجه بیشتر کارشناسان، صاحب نظران و مسئولان امر قرار گرفته است. به طوری که دولت در لایحه جدید حمایت از خانواده در ماده ۲۵ پیش بینی کرده که وزارت امور اقتصاد و دارایی موظف است از مهریه های بالاتر از حد متعارف و غیرمنطقی با توجه به وضع زوجین و مسائل اقتصادی کشور، متناسب با افزایش مهریه به صورت تصاعدی، هنگام ثبت ازدواج، مالیات بگیرد. میزان مهریه متعارف و میزان مالیات با توجه به وضع اقتصادی کشور به موجب آئین نامه ای خواهد بود که از سوی وزارت امور اقتصاد و دارایی پیشنهاد و به تصویب هیأت وزیران می رسد.

بیشتر کارشناسان معتقدند دولت برای جلوگیری از تعیین مهریه های نامتعارف و سنگین باید از راهکارهای ایجابی استفاده کند. به صورتی که با ارائه تسهیلات و امکانات ویژه و اقدام های تشویقی

۵۲ - نظام حقوق زن در اسلام ، مرتضی مطهری ، ص ۲۰۱

۵۳ - زن در آئینه جلال و جمال ، آیت الله جوادی آملی ، ص ۳۴۱

و ترغیبی، خانواده ها را به سمت ازدواج های ساده با در نظر گرفتن مهریه های متعارف و منطقی هدایت کند. هرچند تا رسیدن به نقطه ایده ال (شناخت صحیح نسبت به اصل مهریه و عمل به آن) فاصله زیادی وجود دارد، اما در صورت تداوم این روند می توان امیدوار بود که در سال های آتی با مشکلات کمتری در این باره مواجه شویم.

اسلام عقیده دارد که مسابقه در ازدیاد مهر، زندگی را بر مردم سخت می کند و مشکلات زیادی را به وجود می آورد لذا باید با ایجاد تسهیل در امر ازدواج، جوانان را به تشکیل خانواده متمایل نمود تا از هزاران مفاسد اجتماعی و امراض روحی جلوگیری شود. مهر های سنگین بنیان اقتصادی داماد را در آغاز زندگی نوین متزلزل و سست می کند، به محبت و صفای زن و شوهر لطمه می زند و جوانان را به ازدواج بی رغبت می کند. رسول گرامی اسلام برای اینکه عملا به مردم بفهماند که مهرهای سنگین صلاح واقعی ملت نیست، دختر عزیزش را با مهر کم به عقد علی (ع) در آوردحتی به عنوان دین هم چیزی بر عهده او قرار نداد. امید آنکه جوانان ما نیز با الگو گرفتن از مولا علی (ع) و زهرای مرضیه (س) در همه شئون زندگی، با خوشی و آرامش زندگی پراز معنویت و ایمان را سپری کنند به امید آن روز.

فهرست منابع :

۱. قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه ای
۲. نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام
۳. صحیفه سجادیه، ادعیه امام سجاد (ع)، ترجمه عباس عزیزی، انتشارات صلا، چاپ چهارم ۱۳۸۴
۴. بانوی نمونه اسلام، ابراهیم امینی، انتشارات شفق، چاپ هفدهم، ۱۳۷۸
۵. بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، محمد باقر مجلسی، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، ۱۴۰۳ ه ق
۶. ترمینولوژی حقوق، جعفر جعفری لنگرودی، انتشارات
۷. تحریرالروضه فی شرح اللمعه، علیرضا امینی، سید محمد آیتی، موسسه نشر طه، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۵
۸. تحریرالوسیله، روح الله الموسوی الخمینی، موسسه مطبوعاتی، قم ۱۳۸۴
۹. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی همکاران، دارالکتب الاسلامی، تهران چاپ ۲۷، ۱۳۷۸
۱۰. جایگاه زن در اسلام و یهودیت، محمدرضا جلیلی، انتشارات داستان، چاپ اول ۱۳۸۳
۱۱. جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، الشیخ محمد حسن النجفی، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ چهارم بی تا

۱۲. حقوق خانواده ، سید مصطفی محقق داماد ، انتشارات علوم اسلامی ، چاپ ششم پاییز ۱۳۷۶
۱۳. حقوق زن ، عزت الله عراقی ، انتشارات رهنما ، چاپ دوم ۱۳۶۹
۱۴. حقوق مدنی خانواده ، ناصر کاتوزیان ، انتشارات یلدا ، چاپ اول پاییز ۱۳۷۵
۱۵. حلیه المتقین ، محمد باقر مجلسی ، انتشارات فقیه ، چاپ اول اسفند ۱۳۶۳
۱۶. خانواده در اسلام ، حسین مظاهری ، انتشارات شفق ، چاپ هفتم ۱۳۷۱
۱۷. چهره زن در آئینه قرآن و تاریخ ، مرتضی فهیم کرمانی ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ، بی تا
۱۸. در آمدی بر شناخت مسایل زنان ، سید ضیاء مرتضوی ف انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی چاپ اول ۱۳۷۷
۱۹. زن ، مهدی مهریزی ، انتشارات خرم ، چاپ اول ۱۳۷۷
۲۰. زن از دیدگاه اسلام ، علی ربانی خلخالی ، انشارات حجت ، قم ۱۳۹۹ ه ق
۲۱. زن از دیدگاه ادیان و مکاتب ، جمعی از خواهران طلبه حوزه های علمیه ، انتشارات نصایح ، چاپ اول تابستان ۱۳۷۹
۲۲. زن از دیدگاه نهج البلاغه ، فاطمه علائی رحمانی ، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی ، چاپ اول زمستان ۱۳۶۹
۲۳. زن در اندیشه اسلامی ، جمال محمد فقی رسول ، ترجمه محمود ابراهیمی ، انتشارات احسان ، چاپ اول ۱۳۸۳
۲۴. زن در آینه جلال و جمال ، آیه الله عبدالله جوادی آملی ، انتشارات اسراء ، چاپ هشتم ، مرداد ۱۳۸۲
۲۵. زن و خانواده ، زهرا آیت اللی ، انتشارات روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان ، چاپ اول تابستان ۱۳۸۱
۲۶. سیمای زن در نظام اسلامی ف احمد آذری قمی ، انتشارات دارالعلم ، چاپ اول پاییز ۱۳۷۲
۲۷. علل الشرایع ، شیخ صدوق ، ترجمه سید محمد جواد ذهنی تهرانی ، ج ۲ ، انتشارات مومنین ، چاپ ششم ۱۳۸۵
۲۸. قرآن و مقام زن ، سید علی دزفولی ، انتشارات اسوه ، تهران ، چاپ چهارم ۱۳۷۵
۲۹. الکافی ، محمد بن یعقوب کلینی ، انتشارات دارالکتب الاسلامی ، بی تا
۳۰. من لا یحضره الفقیه ، ابی جعفر الصدوق ، دارالاضواء ، بیروت ، لبنان ، چاپ ششم ۱۴۰۵ ه ق

۳۱. منزلت زن ، واحد خواهران دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ،
انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی ، چاپ دوم پاییز ۱۳۷۲
۳۲. نظام حقوق زن در اسلام ، مرتضی مطهری ، انتشارات صدرا ،
۳۳. نهج الفصاحه ، کلمات قصار رسول اعظم (ص) ، ترجمه علی اکبر میرزایی
، انتشارات چاف ، چاپ سوم ۱۳۸۵
۳۴. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه ، الشیخ محمد بن الحسن الحر
العاملی ، مکتب الاسلامیه ، چاپ پنجم ، ۱۳۹۹ ه ق